



تأملاتی در باب تعقل و آتش بس:

از عبرت تاریخ تا ضرورت ایستادگی هوشمندان



سرمقاله

#ابو کاظم_حسینی

« در ژرفای تحولات پرتلاطم امروز، آنچه بیش از هر چیز سزاوار واری است، فراتر رفتن از واکنش‌های آبی و غور در تجربه‌ای است که تاریخ بر دوش ما نهاده است. بازخوانی گذشته با چشمی بصیر و گوشی حکمت‌آموز، ما را به آستانه‌ی درکی والاتر می‌رساند: پرهیز از تکرار آنچه روزی مایه‌ی درنگ و عقب ماندگی شد. اینک دو مقوله به ظاهر جدایند اما در اصل پیوسته‌اند: تعقل در تداوم نبرد و طرح آتش بس در میانه نبردی نابرابر هر دو از یک ریشه می‌رویند و اگر بی‌درنگ از بن بریده نشوند، درختی بار می‌دهند که ثمرش ذلت و عقب‌گرد خواهد بود.

۱. عدم تبیین لازم در میادین و القای خاموش‌سازی هیجانات مردمی با انواع لطائف‌الحیل.
 ۲. روایت‌سازی‌های فتح و پیروزی برای مقدمه‌چینی رسانه‌ای در جهت تحمیل و تحکیم فتحی تصنعی. حتی اگر چنین روایتی از فتح، موقتی باشد، به نیروی زمینی و تفنگداران دشمن فرصت می‌دهد تا بدون تهدید موشک‌های ایرانی خود را به مرزهای کشور نزدیک سازند.
 از همه عزیزان چه مردم در میادین، چه نیروهای نظامی و امنیتی خواستاریم که با تعهد به آرمان‌های انقلاب و نظام اسلامی، با جان‌فشانی و ایثار، مواظب مکرهای عمر و عاصی شیاطین و خناسان زمان باشند. این افراد خناس در هر لباس و عنوانی که در کشور حضور دارند، یک هدف واحد را دنبال می‌کنند: به سرانجام رساندن کار نیمه‌تمام خود با احیای مجدد دشمن در میدان نبرد.

« **روایت فتح حقیقی: از نابودی کامل دشمن تا ابرقدرتی ایران** » باید هشیار باشیم؛ روایت فتحی که تدارک دیده خواهد شد، تا پایان جنگی که با نابودی کامل جبهه شیطان نیانجامیده باشد، همان القای شیطانی ترک تنگه احد است. دشمن صهیونی باید سرکوب و خلع سلاح شود و دشمن آمریکایی باید از کل منطقه اخراج گردد. تمامی هزینه‌های تحمیل شده به مملکت نیز باید به عنوان غرامت جنگ توسط دشمن پرداخت شود. این نکته، درخواست و تأکید امام امت، آیت‌الله سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای (حفظه‌الله) نیز می‌باشد.

داشتن حق و تو و به رسمیت شناخته شدن ایران اسلامی به عنوان یکی از ابرقدرت‌های مؤثر دنیا، حداقل دستاوردی است که این جنگ باید به ارمغان آورد. و تنگه هرمز از این به بعد به‌عنوان یکی از اهرم‌های فشار و مدیریت هوشمندانه ابزاری است که هم از لحاظ اقتصادی کشور را در مسیر رشد و ترقی بیشتر قرار می‌دهد و هم هزینه‌های تحمیل شده به کشور را جبران می‌نماید، لذا هرگونه کوتاهی در این مورد قابل بخشش و چشم‌پوشی نیست، از این رو این جایگاه، با توییت و لفاظی‌های ظاهری سیاسیون (چنانکه در جنگ ۱۲ روزه شاهد بودیم) حاصل نمی‌شود، بلکه با واقعیت‌سازی در میدان و پیروزی قاطع به دست خواهد آمد.

« **آزادی رسانه‌ای و قیحه‌خانه: لزوم برخورد با مفسدان زبان** » آزادی رسانه‌ای برخی افراد منتسب به برخی مقامات دولتی، جای بسی تأمل و تأسف دارد. اینان با وقاحتی تمام، دست به قلم می‌برند و با انواع چرندیات، باطن کثیف خود را در لفافه‌هایی احمقانه به معرض نمایش می‌گذارند. در میانه جنگ، آنگاه که قلب‌ها ملامال از اندوه است و عزم بر انتقام از دشمن جدی، و مشت‌ها به تاسی از رهبر شهیدمان بر هم فشرده، چنین رفتارهایی سزاوار پاسخی قاطع است. بجاست که دندان‌های این افرادِ وقیح خرد شود تا هیچ احمق متوهمی جرأت زبان‌درازی بیش از حد به خود ندهد.

ضرورتی انکارناپذیر است. آنچه تحت عنوان حصر خانگی برای این گروه ترتیب داده شده، در شرایط کنونی به آزادی عمل بیشتری با پوشش حصر انجامیده است. این خود مصداق روشنی از خیانت است که باید با قاطعیت تمام در برابر آن ایستاد. در این میان، باید هشیار بود که افراد خائن به مملکت و مکتب، در هر لباس و عنوانی که باشند، در این برهه حساس هیچ‌گونه تردیدی را روا نمی‌دارند. جستجو برای یافتن نمونه‌هایی در حد «الی کوهن» از ضرورت‌های امروز امنیت ملی است.

« **امام شهید: فقیه عارف به زمان و وصیت عاشورایی** » رهبر شهید ما، در ابعاد شخصیتی خود فراتر از چهره‌ای صرفاً سیاسی بود. او هم مدبری مدبر بود، هم فقیه‌ی حکیم و هم عارفی که به زمان خویش به درستی شناخت داشت. ابعاد بی‌مثال شخصیت او که سال‌ها باید بر روی آن‌ها مطالعه و تبیین شود، در پشت سیمای سیاسی اش جای داشت. او در پیام آخر خود در دیدار مردم تبریز، با لحنی تلخ و از سر دغدغه‌ای عمیق، از مرگ خود آگاهانه سخن گفت و مسیر عاشورایی را به روشنی ترسیم کرد: «اولا امام در این مسیر شهید می‌شود، ثانيا پیش از شهادت، تفویض اختیار و «آتش به اختیار» را به نیروهای مسلح می‌سپارد، و ثالثا ادامه جنگ را با صراحت «مثلی لایبایع مثل یزید» تعیین می‌کند. این جمله، معنایی جز نپذیرفتن صلح و آتش بس تحمیلی پس از او ندارد. ایشان به حوادث ناگواری که در پیش رو بود اشاره فرمودند و تأکید کردند که در آن صورت، خداوند متعال مردم را مبعوث خواهد کرد تا با حضور در صحنه، فریاد انتقام از دشمن، خونخواهی و تداوم مسیر تمدن نوین اسلامی را رقم زنند. آنان در گذر از این پیچ تاریخی، نقش آفرینی مستقیم خواهند داشت.

« **رهبری جدید و حکم فقهی جنگ: دوافق میانی و نهایی** » رهبر فرزانه ما نیز در دو پیام نخست خود، با صراحتی کم‌نظیر و حتی اشاره به جزئیات، بر تداوم جنگ تأکید فرمودند. از آنجا که رهبران ما فقیه هستند، حکم فقهی جنگ و آتش بس از منظر ایشان روشن است: زمانی که پدافندهای دشمن از کار می‌افتد، مطرح کردن آتش بس جایز نیست. این حکم، در چنین شرایطی، رنگ و بوی حرمت شرعی به خود می‌گیرد. بنابراین، هرگونه تلاش از سوی افراد نفوذی برای انتساب نیات شوم خود به فقهای ما، امامان امت، یا ایجاد وقفه و انحراف در دوافق میانی (ابرقدرت شدن ایران عزیز) و افق نهایی (ظهور و تمدن نوین اسلامی)، خیانتی آشکار به مملکت و مکتب است.

« **بعثت امت و صیحه آسمانی: اتحادی که دشمن از آن می‌هراسد** » اتحاد جامعه و ملت در سراسر کشور، که رهبر شهیدمان از آن به «بعثت امت» تعبیر فرمودند، خود عنایتی الهی است. این هم‌صدایی عظیم را می‌توان به صیحه آسمانی قبل از ظهور نیز تشبیه کرد. جریانات مخالف این بعثت که با طرح آتش بس یا صلح در صدد دلسردی ملت برآمده‌اند، همان خائینی هستند که چند اقدام را هم‌زمان دنبال می‌کنند:

« **عبرت تاریخی: تعقل، میراثی از حسرت** » راستی تاریخ گواهی می‌دهد که تعقل در راهبرد جنگ، از جنس اشتباهات کوچک تاکتیکی نیست؛ بلکه خطایی راهبردی است که تجربه‌اش در پس‌پشت فتح خرمشهر به تلخی آموخته شد. آنگاه که در اوج اقتدار، گروهی از سر مرعوبیت یا خیانت، مسیر پیروزی قاطع را بر امام راحل (قدس سره) بستند و نگذاشتند نبرد تا نهایت عزت و تحقیر دشمن پیش رود، نتیجه جز آن نشد که جام زهر بر کاسه صبر آن پیر فرزانه نهاده شد و سال‌ها نسل‌ها بهای آن عقب نشینی را پرداختند. امروز هر کس که از مذاکره‌ای سخن راند که مانع تداوم فشار بر دشمن تا مرزهای نهایی حق باشد، نشان از ناآگاهی از قوانین سخت تاریخ دارد، یا در دام مرعوبیت گرفتار آمده، یا به خیانت آلوده است. تاریخ روشن کرده است: هر عقب‌نشینی از جبهه حق، میراثی از خون و حسرت بر جای می‌گذارد.

« **آتش بس در ترازی شرع و سیره** » این مسئله اما فراتر از یک خطای محاسباتی یا اختلافی راهبردی است و ریشه در بنیان‌های دینی و اصول انقلابی دارد. از منظر قرآن کریم، آنجا که خداوند مؤمنان را از سستی و دعوت به صلح در هنگامه برتری حق باز می‌دارد، آتش بس در برابر دشمن متجاوز و بی‌پروای امروز، به روشنی تشویق جانی به جنایت بیشتر است. امام خمینی (قدس سره) با نگاه توحیدی خود همواره بر این حقیقت تأکید می‌نمود که نباید دشمن را از فشار نظامی غافل کرد؛ هر نشانه عقب‌نشینی جرأت تجاوز او را فزونی می‌بخشد. امروز پس از آن همه جنایات آشکار در این روزهای پرآوازه خون، سخن از آتش بس از تشویق جانی فراتر رفته و به هم‌دستی با جانی بدل شده است. هم‌دستی با کسی که کودک‌کان و زنان را نشانه می‌گیرد و از هیچ پلشتی فروگذار نیست. این هم‌دستی، به یک اصل یا یک رهبر خیانت نمی‌کند، بلکه خیانت به سه میراث بزرگ است: مکتب اسلام که مبنای آن مبارزه با ظلم است، خون شهدا که برای توقف دست متجاوز بر خاک ریخته شد، و امام شهدا که تمام همت خویش را بر عزت اسلام و کوتاه نیامدن در برابر زور نهاد.

« **عوامل نفوذی و طرح خیانت: از کودتاچیان تا «الی کوهن» های زمان** »

در این میان، نحوه برخورد با جریان کودتاچی و عناصر نفوذی نیازمند بازنگری بنیادین است. مدارای بیش از حد با افرادی که به روشنی در خط مقدم این طرح کثیف قرار گرفته‌اند، خود بخشی از مسئله است. این جماعت، پلن نخست توطئه را بر عهده دارند و پلن دوم و ساختار پشتیبانی آن‌ها نیز از طریق رهگیری ارتباطات به آسانی قابل شناسایی است. اما تأمل و درنگ در قبال آنان، افزون بر این که آزادی عمل بیشتری به ایشان می‌بخشد، امید آنان را به تداوم خیانت و تحمیل آتش بس و صلح ذلت‌بار تقویت می‌کند. تجربه نشان داده است که همین مردم کف خیابان، اگر توجیه و تبیین شوند که سران جنگ و ترورها همین افراد بوده‌اند، خود به تنبیه ایشان خواهند پرداخت. بنابراین، در قبال این جماعت خائن و نفوذی، عمل به حکم الهی